

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۸

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۳

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

بررسی مفهوم مهدویت در دیوان شیخ آذری

محمد حسن بهنام فر^۱

چکیده

شیخ حمزه بن علی اسفراینی از شاعران و نویسندگان قرن نهم هجری قمری است. زمانه وی، مصادف با اوضاع نابه سامان بعد از ایلخانان و قبل از شکل گیری صفویان می باشد. ارتباط با دولت شیعی سربداران و بررسی و تحلیل آثار و اندیشه های وی، نشان از تشیع و اندیشه های مهدویت در آثار و مخصوصاً دیوان اشعار شیخ می باشد. از شیخ آذری آثاری به نظم و نثر باقی مانده که مهم ترین آن، دیوان اشعار، ارزش بسیاری در تاریخ و ادبیات قرن نهم دارد. از آن جا که آثار وی هنوز مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته، شناخته شده نیست. در این میان یکی از ویژگی های اصلی قصاید شیخ آذری، جایگاه مدح و منقبت ائمه اطهار علیهم السلام و ارادت خاص و ویژه به امام زمان علیه السلام در آنهاست. این پژوهش با تحقیق بر روی نسخه های خطی دیوان شیخ آذری به بررسی و شناسایی مفهوم مهدویت و همچنین اندیشه انتظار در آن پرداخته است. بدون شک تحقیق بر آثار ارزشمند این سرزمین در شناخت و معرفی نویسندگان شیعی که در حوزه مهدویت کار کرده اند، قبل از شکل گیری حکومت صفویه کمک شایانی خواهد کرد.

واژگان کلیدی

شیخ آذری، قرن نهم هجری، دیوان اشعار، مهدی موعود علیه السلام.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی و مدیر گروه معارف مجتمع آموزش عالی اسفراین (behnamfarb@gmail.com).

یکی از میراث‌های فرهنگی زبان و ادب فارسی دیوان شاعران گذشته است. این سخنوران هر یک به اندازه توان و دریافتی که از فرهنگ ایران اسلامی و با توجه به مبانی فکری و اعتقادی که داشته اند، مطابق با ذوق، احساس و اندیشه خود آنها را در سروده‌های خویش به قلم آورده و از خود باقی گذاشته اند. یکی از راهیان طریق ادب و زبان فارسی، شیخ آذری طوسی اسفراینی (درگذشته ۸۶۶ هـ) است که در قرن نهم هجری به کار نویسندگی و سنخوری پرداخته و آثار چندی از خود باقی گذارده است. اما بدان جهت که زمان زندگی این سخنور و ادیب شیعی در یک برزخ سیاسی قرار داشته، آثار فرهنگی او مورد عنایت قرار نگرفته و مجهول‌القدر و ناشناخته و دور از انظار باقی مانده است. نابسامانی‌ها و شرایط بی‌ثباتی که پس از تهاجم مغولان در شرق جهان اسلام روی داده بود که به نوعی منجر به زوال و بی‌نظمی فکری و اندیشه‌ای شده بود. در میانه این هرج و مرج سیاسی و فقدان دولت مقتدر مرکزی، به نحوی شرایط برای استقرار اندیشه‌ها باز شد. دولت‌ها و سلسله‌های محلی سر بر آوردند و همراه آن عقاید مختلف مذهبی که خصوصاً از مکتب تشیع اثنی عشری مایه گرفته بودند و مدتی اجازه انتشار نداشتند، در سرزمین‌های مختلف شکوفا شدند. یکی از این دولت‌ها سربداران بودند که موفق شدند با اتکا به مذهب تشیع اثنی عشری به صورت یک ایدئولوژی، حاکمیت و قدرت خود را در جامعه هدایت کرده و در خلال نیم قرن، سبب گسترش اندیشه تشیع و نفوذ آن در سایر نواحی گردند و همچنین به نحوی به سلطه سیاسی - نظامی مغولان پایان دهند. (آژند، ۱۳۶۳: ۱۶-۱۲) سربداران، مردمانی صوفی مسلک و اثناعشری بودند که در غرب خراسان بزرگ و در سال ۷۳۶ قمری به پیروی از تعالیم شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری علیه ظلم و جور حاکمان محلی و بازماندگان دولت ایلخانی برخاستند و نزدیک به نیم قرن بر غرب خراسان حکم راندند. سربداران، نخستین دولت مردمی بود که با اندیشه شیعی، گرایش‌های صوفیانه و انگیزه زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام تشکیل شد و سرمشقی برای قیام‌های بعد از خود گردید. با رواج اندیشه شیعی از طریق دولت سربداران، شاعران و نویسندگانی نیز ترغیب شدند که با آثار خود به توسعه و پیشرفت اندیشه و ادبیات یاری و کمک کنند. ترویج فرهنگ انتظار و اندیشه ظهور در دولت سربداران به عنوان دولتی شیعی و ایدئولوژیکی وجود داشت و بدون شک این امر در

اندیشه بزرگانی چون شیخ آذری قابل بررسی و تحلیل است. شیخ آذری همچنین با دولت بهمنیان هند نیز تعاملات و ارتباطاتی داشته است و به تاکید منابع در ترویج تشیع در هند تأثیر بسیار زیادی از خود به جای نهاد. با مراجعه به دیوان و آثار شیخ آذری شکی در شیعه بودن شیخ آذری به جای نمی ماند و در این میان یکی از ویژگی های اصلی قصاید شیخ آذری، جایگاه مدح و منقبت ائمه اطهار علیهم السلام و ارادت خاص و ویژه به امام زمان علیه السلام در آنهاست. تمامی ۳۲ قصیده دیوان شیخ یا در منقبت ائمه اطهار و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سروده شده و یا اییاتی از آنها در مدح بزرگان دین اسلام است. در میان شاعران این دوره شاید شیخ آذری تنها شاعری باشد که تمامی قصاید او در مدح و منقبت ائمه علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است. قصاید و اییاتی در دیوان شیخ آذری وجود دارد که به طور خاص به امام زمان علیه السلام تقدیم کرده و از ایشان نام می برد. از این دیوان هفت نسخه خطی شناخته شده و با توجه به شهرت آن به نظرمی رسد نسخه های دیگری از دیوان او در کتابخانه های اطراف و اکناف جهان موجود باشد، که تاکنون شناخته نشده است. در مجموع این ۷ نسخه، ۳۲ قصیده و ۴۸۰ غزل و تعدادی ترجیع بند، ترکیب بند، رباعی و قطعه آمده است. دیوان آذری در سال ۱۳۸۹ به اهتمام محسن کیانی و عباس رستاخیز و توسط کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است. البته این اثر از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی ملک و نیز از روی چند جنگ و مجموعه شعری فراهم آمده است. آن چه در این تحقیق انجام گرفته، همه ۷ نسخه فوق از دیوان شیخ آذری که اندیشه مهدویت بررسی و مطالعه شده است.

زندگی و زمانه شیخ آذری

شیخ آذری در هیاهوی جنگ و گریزهای سربداران و لشکریان طغا تیمور در اسفراین و در حدود سال های ۷۸۲ تا ۷۸۴ ه.ق. چشم به جهان گشود. البته مرحوم ذبیح اله صفا سال تولد شیخ را ۷۸۴ می داند.^۱ سال ۷۸۲ همان سالی است که تیمور به دعوت و درخواست پیشوای سربداران خواجه مویدالدین به اسفراین لشکر کشید و به قول

۱. شبوه محاسبه مرحوم صفا و دریافت سال ۷۸۴ به عنوان سال تولد شیخ آذری جالب است ایشان می نویسند: عمر آذری در مآخذ ۸۰ سال نوشته شده و چون وفاتش را همه در سال ۸۶۶ نوشته اند پس تاریخ تولدش ۷۸۴ می شود! ۸۰=۷۸۶-۸۶۶.

و البته از این مآخذ که مدنظر دکتر صفا است، دولتشاه، عمر شیخ را ۸۲ سال می داند.

شرف‌الدین علی یزدی:

دکان و بیوت و مساکن نماند

به جز نامی از اسفراین نماند

در این سال حاکم اسفراین امیرولی از سرداران طغاتی‌مور بود. به هر حال شیخ در این روزگار پر آشوب دیده به جهان گشود. دولت‌شاه شیخ آذری را اینگونه معرفی می‌کند:

شیخ آذری خواجه علی ملک از بزرگان دولت سرداران، که پشت او به معین‌الدین صاحب‌الدعوه احمد بن محمد الزمجدی الهاشمی المروزی می‌رسد که در وقت سربداران در اسفراین صاحب اختیار بود. (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۱۸: ۳۹۹)

تاریخ فرشته ماه تولد شیخ را آذرماه می‌داند و می‌گوید:

شیخ آذری در پاسخ الخ بیگ میرزا گفته چون در ماه آذرزاده شده، خود را آذری نامیده است. (تاریخ فرشته، ج ۱، ۶۲۹)

ظاهراً پدر شیخ آذری که به قول دولت‌شاه از اعیان ناحیه اسفراین و از رجال سربداران بیهق بوده پس از تولد شیخ در اسفراین، سفرهای متعددی به سبزوار و توس داشته و شاید نیز در این شهرها مدتی اقامت نموده است. به این دلیل است که در تذکرها و منابع تاریخی شیخ آذری بیهقی و توسی نیز نامیده شده است. دولت سربداران از دولت‌های شیعی مذهب ایران قبل از صفویه می‌باشد و جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند که شیخ آذری در خانواده‌ای مذهبی و شیعی به دنیا آمده است. در تذکرها و منابع تاریخی از کودکی و نوجوانی شیخ، مطلبی دیده نمی‌شود. برابر قرائن و شواهد وی روزگار کودکی خویش را در اسفراین گذرانده و علم آموخته است و در جوانی به شعر و شاعری مشغول گردید و در این راه شهرت یافت. شیخ آذری سفرهای متعددی برای زیارت بارگاه منور علی بن موسی الرضا علیه السلام، امیرمؤمنان علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام داشت. وی سه نوبت به مراسم حج رفت و حتی به زیارت قدس شریف نیز مشرف شد. در میان این سفرها همچنین با دانشمندان، علما و بزرگان زیادی دیدار داشت. برابر سخن دولت‌شاه، آذری بعد از طی مراحل سلوک و پس از دومین زیارت کعبه و اقامت در مکه، در بازگشت از آن دیار به هندوستان رفت. (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ۳۲۵)

تاریخ این سفر باید در سال‌های ۸۳۲ تا ۸۳۴ هجری قمری باشد. شیخ در هند به حضور احمدشاه بهمنی (سلطنت ۸۲۵ تا ۸۳۸) از سلاطین بهمنی دکن رسید. (باقی، ۱۳۴۰:

۱۳۴۰

سال یازدهم، ششماه ۲۱، بهار ۱۳۴۶

ج ۳، ۵۴)^۱ این پادشاه از دوستان مشایخ و شیفته‌ی آشفته‌گان راه حق بود. شیخ آذری در ملازمت این پادشاه قرار گرفت و مقام ملك الشعرايی دربار او را به دست آورد. فعالیت‌های فرهنگی شیخ آذری در بیدر،^۲ پایتخت بهمنیان، منجر به رشد و تقویت زبان فارسی و فرهنگ شیعی در دکن گردید. (فرشته، ۱۳۰۱ق: ج ۱، ۳۲۶) و پس از مدتی سرانجام، رخصت کوچ از هندوستان را گرفت. (تاریخ فرشته، ۳۲۰) شیخ پس از بازگشت به وطن «پای قناعت در دامن همت کشید و از سیاحت عالم ملك به تماشای عالم ملکوت سربه جیب تفکرفرو برد و سی سال بر سجاده‌ی طاعت نشست.» (دولتشاه، ۱۳۱۸: ۴۵) اوضاع نابسامان خراسان بعد از شاهرخ از عوامل اصلی گوشه‌گیری و انزوای شیخ آذری بوده است. شیخ تا پایان عمر در زادگاه خود به نظم اشعار و سرودن قصاید و غزلیات مشغول بود.

آثار شیخ آذری

شیخ آذری را می‌توان از شاعران و نویسندگان پرکار قرن نهم به شمار آورد و آن‌چه از آثار منظوم و منثور شیخ در دسترس است و یا ذکر آنها در منابع آمده، به شرح زیر است:

۱. بهمن‌نامه: این مثنوی را شیخ به درخواست سلطان احمدشاه بهمنی، در احوال و آثار این سلسله سروده است. سلسله بهمنی هند که از سال ۷۸۴ بر روی کار آمده‌اند، در مدتی طولانی، در قسمت‌هایی از هند حکمرانی داشته‌اند. این مثنوی در وزن متقارب به تقلید از شاه‌نامه حکیم توسی و اسکندرنامه نظامی سروده شده و شیخ در سرایش این اثر، تحت تأثیر مستقیم آنها بوده است. ظاهراً از این کتاب تاکنون نسخه‌ای در فهرست‌ها و کتابخانه‌ها دیده نشده است.^۳

۱. ملوک بهمنی (سلطنت: ۷۴۸-۹۳۴ق) به عنوان اولین حاکمان مستقل مسلمان در دکن، محسوب می‌شوند. اقدامات و عملکرد برخی از آنان زمینه‌های رونق و شکوفایی تشیع در دکن را فراهم کرد. این امر از طریق حمایت از علما، صوفیان، سادات و شیعیان و جذب آنان از مناطق گوناگون اسلامی صورت گرفت. چنان‌که در سال‌های پایانی حکومت آنان، تشیع در بخش‌هایی از دکن توسط برخی فرماندهان نظامی به عنوان مذهب رسمی اعلام گردید.

۲. Bidar

۳. دکتر ذبیح الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران درباره نسخه‌های بهمن‌نامه شیخ آذری چنین می‌گوید: یکی از نسخ بهمن‌نامه که در کتابخانه بریتیش میوزیوم مضبوط و کتابت آن مورخ است به تاریخ ربیع الاول سال ۸۰۰ هجری منسوب است به حکیم آذری، البته بهمن‌نامه‌ای بنام حکیم آذری موجود است ولی آن غیر از این بهمن‌نامه است و راجع است به سلسله بهمنی هندوستان و ناظم آن شیخ آذری از شعرای قرن نهم است» (حماسه سرایی در ایران: ۲۹) با این توضیحات ماجرای نسخ خطی بهمن‌نامه شیخ پیچیده شد. بهمن‌نامه‌ای که در موزه بریتانیات منسوب به

۲. **عجایب الغرایب:** این منظومه که در بحر خفیف (فاعلاتن مفاعیلن فع لن) سروده شده، در ذکر عجایب شهرها و سرزمین‌ها و کوه‌ها و چشمه‌ها و بناها و حیوانات است. این مثنوی زبانی ساده و بی‌تکلف دارد و شاعر خود به سادگی شعرش اشاره کرده است. مثنوی عجایب الغرایب نزدیک به ۵۳۰۰ بیت دارد و از آن نسخه‌های فراوانی در کتابخانه‌های مختلف موجود است ولی متأسفانه هنوز این اثر شیخ آذری تصحیح و چاپ نگردیده است.

۳. **سعی الصفا:** این کتاب که بنا به قول مشهور بخشی از مثنوی مرآت شیخ آذری است حاصل سفر حج شاعر است و آن را در مدت یکسال مجاورت خانه‌ی خدا سروده است. این منظومه ظاهراً درباره تاریخ کعبه و اداب زیارت می‌باشد. از این مثنوی نیز متأسفانه تاکنون نشانی به دست نیامده است.

۴. **مفتاح الاسرار:** هنگامی که شیخ آذری در حدود سال ۸۳۰ هجری قمری به اتفاق مرشد و پیر خویش شیخ محی‌الدین توسی غزالی به حج رفت، در برگشت و هنگام اقامت در شهر حلب این کتاب را تألیف کرد. از کتاب مفتاح الاسرار نشانی برجای نیست ولی از آنجا که کتاب جواهر الاسرار شیخ، خلاصه‌ای از آن است، می‌توان با بررسی آن کتاب، دریافت که مفتاح الاسرار در چه موضوعی تألیف شده است.

۵. **جواهر الاسرار:** مفصل‌ترین و مشهورترین اثر موجود شیخ آذری به نثر این کتاب است. این کتاب حدود سال ۸۴۰ در اسفراین تألیف شده است. (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ۳۲۵) کتاب **جواهر الاسرار** به عنوان یکی از متون اولیه نقد و شرح شعر شاعران، منبع و مأخذ بسیاری از نویسندگان در قرون بعد بوده است از این کتاب ارجمند، چاپی سنگی به سال ۱۳۰۳ در تهران و به همراه دو اثر شیخ جامی و عزیزالدین نسفی صورت گرفته است. نسخ خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌ها موجود است که کار تصحیح آن را ساده‌تر می‌نماید. در سال ۱۳۸۸، چاپی غیرمقابله‌ای از آن به همت آقای احمد شاهد در اسفراین زادگاه شیخ آذری انجام گرفته است. نظریه اهمیت موضوع کتاب و جامع الاطراف بودن آن، ضرورت تصحیح انتقادی از این اثر شیخ کاملاً مشهود است.

حکیم آذری است و سال ۸۰۰ کتابت شده یعنی دوران نوجوانی شیخ آذری و از این حکیم آذری هم که کتاب منسوب به اوست اطلاعی در منابع دیده نمی‌شود! هم‌چنین دکتر صفا در تاریخ ادبیات در ایران ج ۴ صفحه ۳۲۸ گفته‌اند که از بهمن‌نامه شیخ آذری نسخی در دست است ولی اشاره‌ای به محل نگهداری این نسخ و مأخذ برای ذکر این جمله نفرموده‌اند.

۶. طغرای همایون: درباره این اثر شیخ به جز نام در تذکره‌ها چیزی ندیده‌ایم.
۷. دیوان اشعار: مهم‌ترین و ارزشمندترین اثر شیخ آذری دیوان اشعار وی می‌باشد. دیوان شیخ آذری که در دوران خود شهرتی فراگیر داشته نزدیک به ۵۰۰۰ بیت دارد.

مهدویت در دیوان شیخ آذری

موضوع مهدویت در شعر فارسی، سابقه‌ای هزار ساله دارد و با توجه به انواع آن و قصد سرایندگان، از آن می‌توان به عنوان یک سند تاریخی برای موضوع مهدویت در تشیع امامیه استفاده کرد. با توجه به شرایط و زمانه شیخ آذری تردیدی باقی نمی‌ماند که وی شیعه اثنی عشری و موضوع مهدویت از مفاهیم اصلی اندیشه وی به حساب می‌آمده است. با توجه به سبک و زمانه شعری شیخ آذری، وی را می‌توان جز شاعران سبک عراقی در نظر گرفت و با توجه به تلفیق مضامین شعری وی با عرفان، لذا مفهوم مهدویت در شعر شیخ آذری وجود داشته و دیده می‌شود. شیخ آذری از «مهدی» به عنوان امام، منجی و عدالت‌گستر کفرستیز نام می‌برد و به مدح مناقب ایشان می‌پردازد. وی در قصاید خود ابتدا به ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته و با مدح همه امامان خطی را دنبال می‌کند که طبق نصوص ولایی مکتب و مذهب امامیه است و هر کلیدواژه‌ای را که موضوع مهدویت برساند، برای معرفی دوازدهمین امام غایب شیعه که زنده است و ظهور خواهد کرد، استفاده می‌کند. اصالت واژگان در این اشعار شیخ آذری حقیقی و رسالت او، نشر مهدویت است. در دیوان شیخ آذری به طور خاص دو قصیده در ارادت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه سروده شده است.

قصاید

در ابتدای دیوان شعری شیخ آذری، قصاید وی آمده است. دیوان با قصیده تحمیدیه بنا بر سنت شعر فارسی شروع شده و این شعر بر تارک دیوان نشسته است. این قصیده در سه نسخه هند، دانمارک و ملک آمده است. در بیتی از این قصیده که در واقع «در توحید باری تعالی» و نعت خداوند و پیامبران است، اشاره‌ای به مفهوم تولی و تبری دارد که از مفاهیم شیعی به حساب می‌آید.

آغاز سخن به که کند مردم دانا

بر نام خداوند تبارک و تعالی

یارب به حق حرمت اولاد محمد
خاصه به دوفرنند جگرگوشه زهرا
سوگند بدانها که تولا به تودارند
وز غیرت توکرده ز غیرتو توبرا
(بیت ۷۹)

آن صافدلانی که به توفیق توننشست برآینه خاطرشان ظلمت دنیا
(دیوان، ۱۳۸۹: ۴)

قصیده دوم در توحید و نعت پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام که در نسخه های دانمارک و
کتابخانه ملک آمده، اشاره مستقیم به امام زمان ﷺ دارد.
چوشد زیازدهم قطره عسکری موجود شد از دوازدهم روح مهدی مهدا
(دیوان، ۱۳۸۹: ۸)

قصیده سوم تنها در نسخه ملک آمده است:
کراست چون حسن عسگری و چون مهدی
که شد ولایت او چون تخلص شعرا
کراست این همه اولاد جمله اهل کمال
کراست این همه اوصاف و فضل مستوفا
کواکب شد دنیا بدنند آل رسول
برآسمان ولایت علی است بدر دجا
از این مقام دنی آذری اگر خواهی
که ره بری به سلامت به عرصه لولا
طریق وادی و ره ناپدید و شب تیره
به نور ماه توان رفت در شب یلدا
کلید باب نجات اندر آستین علی است
بگیر دامن او را مکن زدست رها
(دیوان، ۱۳۸۹: ۱۲)

قصیده چهارم در نسخه های دانمارک، ملک و هند آمده و اشعار زیبایی درباره ائمه
 طهارت علیهم السلام و امام زمان علیه السلام آورده است. شاعر از زمانه و انتظار می گوید:
 السلام ای حجة القائم امام جن وانس
 السلام ای شمسه ایوان طاق کبریا
 السلام ای هادی حق مهدی آخر زمان
 کوکب برج هدایت برج خورشید هدا
 السلام ای خاتم اهل ولایت السلام
 مرحبا ای گوهر دریای رحمت مرحبا
 عقل اول دفتر حلم تورا ام الكتاب
 عرش اعظم خیمه جاه تورا پرده سرا
 عرصه آفاق را عدل تو تعدیل النهار
 هیات افلاک را عقل تو خط استوا
 دوستان را چشم برره انتظار از حد گذشت
 الصلا ای کوکب برج امامت الصلا
 در خلا غیب تا کی این سخن ماند نهان
 وقت آن آمد که گردد این حکایت برملا
 ای تودریای زلال و ماهمه تشنه زده
 توجّهان نعمت و ما مشتهی و ناشتا
 توطیب حاذقی آخر بگوتا چاره چیست
 دارد از ادخال فاسد معده دهر امتلا
 توبه جای آدمی امروز و ما اولاد تو
 دردم ابلیس فرزندان تو نبود روا
 نوح وقتی ماهمه در بحر طوفان غرقه ایم
 کی توان زین موج بیرون آمدن بی آشنا

تو خلیل وقت و ما در آتش نمرود نفس
 العطش ای ماء رحمت تشنه ماء ایم ما
 ای چو موسی دست ثعبان گیر تو دریا شکاف
 جهد کن کآمد سپاه نفس فرعون از قفا
 عیسی وقتی و خلقی جمله بیماران تو
 چشم می دارند زانفاس توای عیسی شفا
 ای به جای مصطفی در جمله احکام دین
 در امور دین مکن بوجهل بدعت را رها
 مرتضای ثانی ای برکن بروت خارجی
 ذوالفقار حیدری را باز برکش در غزا
 تو حسین وقت و ما در کربلای محنتیم
 از یزید نفس برهان ای حسین این روح ما
 زهره مامون هوا ما را چو سلطان می کشد
 ای توتریاک سعادت خستگان را کن دوا
 عالمی در انتظار توست خاصه آذری
 چشم ها بر راه روز و شب به امید لقا
 یک نظر در کار درویشان خود کن یا امام
 تا مس ما گردد از اکسیر لطف کیمیا
 سوی مظلومان این دور ستم چشمی فگن
 برگرفتاران این آخر زمان رحمی نما
 (دیوان، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۱)

قصیده ۱۸ با عنوان در مدح امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان در تمامی نسخه ها آمده است.
 ابتدای قصیده

چنان که هست فلک را دوازده تمثال
 که آفتاب بر آن دور می کند مه و سال

بر آسمان ولایت دوازده برج اند
 چو آفتاب نبوت همه به اوج کمال
 در ادامه همین قصیده و در بیت ۳۲
 دگر چو چشم ولایت محمد مهدی
 که هست ناطقه عقل در صفاتش لال
 مقربان خدا و رسول اینها نیست
 که ایمن است همه حد ملکشان ز زوال
 همای اوج سعادت کجاست چون مهدی
 که زیر چرخ ندارد کسی نظیر و مثال
 محیط دایره عالم ولایت اوست
 که آفتاب در او نقطه‌ای بود چون خال
 چنان که ختم نبوت شد احمد مرسل
 امام منتظر از اولیاست ختم رجال
 در انتظار جهان را سخن دراز کشید
 نمی‌رسد به سواحل سفینه آمال
 ولی خروج یقین شد ز بعد چندین قیل
 میان خلق نباشد گزاف چندین قال
 اگر چنان چه به دوران ما خروج کند
 عنایتی بود از فضل و اهب الافضال
 ز رحمتند امامان دوازده آیت
 که حق به رحمت خود کردشان به ما انزال
 (آذری، ۱۳۸۹: ۵۴)

قصیده ۲۰ هم در نعت پیامبر ﷺ و امامان در تمامی نسخه‌ها آمده است.
 منجمان ولایت به زیج و اسطرلاب
 کنند در درجات این تساوی و تعدیل

دگر تقی و نقی عسکری و سپس مهدی

که اوست بعد همه انبیا وصی و وکیل

(آذری، ۱۳۸۹: ۵۹)

قصیده ۲۱ به طور خاص در مدح امام زمان علیه السلام سروده شده و بسیار ارزشمند و خواندنی است. این قصیده در نسخه ملک آمده است.

ما را چو خاک دست فلک کرد پایمال

یا حضرت امیر ولایت علی و آل

بودی بنای ملک عجم سالم و صحیح

تبدیل یافت آن همه چون باب افتعال

انعام دین هلاک شدند از کلاب ظلم

وقت است اگر خروج کند شیر ذوالجلال

کی باشد آن که قفس صبر و انتظار

مرغان خاندان بگشایند پروبال

خوش وقت آن زمان که به تایید ذوالمنن

دولت کند به مرکز اولاد انتقال

چون صاحب زمان هدایت کند خروج

گردد زمان چو دور نبی ملک بی زوال

بعد از کمال چون که زوالی مقرر است

برکش لوی عدل که ظلم است بر کمال

پشت و پناه دین چو توباشی به گاه کین

هر موی این ضعیف شود از توپور زال

تحقیق قول مصطفی را برون خرام

تا کی میان خلق بود از توقیل و قال

شمع جلال را بنشان از جمال خویش

چون با تو هست حکم جلالی و هم جمال

عجم

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

۱۳۴

زنگار کفرو ظلم نماند به دور تو
 با نور روز نیست شب تیره را مجال
 طالع شواز مدار هدایت به فال نیک
 تا کی ز نند قرعه امید خلق فال
 در انتظار چشم زمانه سفید شد
 وز گفتگوزبان خلاق شده ست لال
 زاغان کفر جمله بریزند از افق
 عنقای قاف دین بگشایند پروبال
 خوش وقت آن کسی که ببیند جمال تو
 ما در فراق روی تو خوش اهل آن وصال
 خلقی در انتظار تواند و علی الخصوص
 از مؤمنان خاص توقومی فقیر حال
 زین جمله آذریست یکی کمترین شان
 مداح اهل بیت شما در گه مقال
 ای نیکبخت چون که ببینی جمال او
 برسان سلام بنده بدان سید رجال
 هر لحظه صد سلام و دعا بر جمال تو
 از حضرتی که نیست ورا شبه و هم مثال
 (آذری، ۱۳۸۹: ۶۰)

مربع

در بخشی از دیوان شیخ آذری مربعی سروده شده که در نسخه‌های دانمارک و ملک وجود داشت و تنها قالب مربع دیوان می‌باشد. این شعر در مدح امام زمان عجل الله تعالی فرجه با زیبایی، مهارت و استعداد خاصی سروده شده است.

بند اول

ایا ضمیر تو از سر کاینات آگه
 برون خرام که شد کار کاینات تبه
 در انتظار تو شد چشم روزگار سیه
 ز جست و جوی تو گردید پشت گردون ته
 فتاد یوسف اسلام گویا در چه
 جهان پیر چو یعقوب دیده ها برره
 ز کتم عیب به صدر ظهور زن خرگه
 در انتظار تو اند یا امام بسم الله

بند دوم

ایا وجود تو بر خلق سایه ای ز خدای
 بیا و بر سر ما سایه ای فگن چو همای
 چو آفتاب بنه در رکاب رفعت پای
 به اوج چرخ رسان قبه فلک فرسای
 چو آفتاب رخ از مطلع صفا بنمای
 غبار ظلم ز آینه جهان بزدا ی
 خدای را چه تویی دست گیر خلق خدای
 زمان تو ست ایا صاحب الزمان به درآی

بند سوم

مگر به حال جهان التفات فرمایند
 که باز عرصه آفاق را بیارایند
 چو آفتاب از این تیره شب برون آیند
 رهی به گمشدگان طریق بنمایند
 دری ز غیب به روی زمانه بگشایند
 غبار ظلم ز روی زمانه بزدا یند

بسم الله

سال دهم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۶

درون پرده اسرار تا به کی باشند

جهان زدست بشد یا امام فرمایند

بند چهارم

نماند شعله خورشید شرع را پرتو

برفت از آتش مصباح دین و ملت ضو

خلایق از پی دنیا فتاده در تک و دو

موافقت ز میان رفته همچو کیخسرو

لباس شرع به دکان دیو گشته گرو

شعار مصطفوی در بر جهان کن نو

خروش و ولوله آخر الزمان بشنو

خدای را مددی یا امام ظاهر شو

بند پنجم

بیا که مهلت عالم به اندکی آمد

بسی نماند که دوران به آخر انجامد

رسید وقت که آن ماه امت احمد

چوسرو در چمن روزگار بخرامد

زمانه بی توبجز خون دل نیاشامد

بدین طریق جهان تا کجا سرانجامد

برون خرام که تافتنه ها بیارامد

صلای کار بزن یا امام وقت آمد

بند ششم

زهی وجود تو در کنه ذاق مستغرق

وجود تو ست محیط کمال را زورق

نماند هیچ سرو کار شرع را رونق

برون خرام و بکن کار عالمی به نسق

بسی خلاف پدید آمد از کتاب و سبق
طریق‌های مخالف ز یک دگر مشتق
زمانه را تویی امروز هادی مطلق
خدای را بنمایا امام مذهب حق

بند هفتم
نهال عمر ندارد بهار منفعتی
به باغ دهر نیامد نسیم عافیتی
نماند در صدف دهر در معرفتی
فتاد در صف صاحب دلان مفارقتی
فتاده اند همه خلق در مخاصمتی
برای هیچ شب و روز در مضایقتی
ز خاک پای تو داریم چشم مکرمتی
مقام مرحمت است یا امام مرحمتی

بند هشتم
مخالفان تو در باب معرفت عاقد
موافقان تو در چشم همگنان طاقند
شهان ملک که سر دفتران ارزاقند
غلام حلقه به گوش تو بلکه عشاقند
موالیان که مریدان نیک اخلاقند
چشیده زهر همه بر امید تریاقند
ز صبح روز ازل بر امید اشراقند
بیا که جمله به تو یا امام مشتاقند

بند نهم
علی الخصوص غلام تو آذری فقیر
به دست حادثه روزگار گشته اسیر

چو گوی بی سرو پا در کشاکش تقدیر
 زدست رفته و گم کرده رشته تدبیر
 به گرد نفس چوپرگار گشته در تقصیر
 سیاه کرده بسی نامه را چو کلک دبیر
 به چنگ قهرزبون و به دام غصه اسیر
 فتاده است ز پایا امام دستش گیر
 (آذری، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۱)

غزلیات

بخش دیگری از دیوان شیخ آذری مربوط به غزلیات است. ویژگی اصلی غزلیات شیخ آذری، فصاحت در کلام و روانی و پختگی ابیات و اشعار است. در این بخش از اشعار شیخ آذری، هیچ بیتی مدح مستقیم حاکم و یا امیری در زمان خودش نبوده و این امر نشان می‌دهد که او تعلق به حکومت تیموریان و مراوده‌ای با آنها نداشته است. در میان غزلیات شیخ آذری توحید، عشق به اهل بیت علیهم‌السلام و اندیشه‌های شیعی دیده می‌شود و البته بخش اعظمی از غزلیات بی‌قراری دوری یار و دوست، اشعار عاشقانه و شور و شوق رسیدن به معشوق مدنظر شاعر است. در این میان البته شیخ آذری با نازک بینی و زبان پخته خود، مشخص است که در برخی از اشعار اشاره به امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه داشته است. در این بخش اشاره به این اشعار داریم:

غزل ۱۹ (در نسخه ملک آمده است)

آن مه که جهان پر شد از او شور و علالا
 لالای تو گفتم که شوم گفت که لالا
 بایاد تو کردیم ز غیر تو فراموش
 در مذهب ما عین تبراست تولا
 هرگز گه‌ری در صدف کون نیفروخت
 مثل تو خداوند تبارک و تعالی

خوبان ز لطافت ز تو دورند که ایشان
 از خطه لاند و تو از کُشور الا
 بالای توام گربه بلاکشت عجب نیست
 آید به سر خلق بلا جمله ز بالا
 یک روز چو باید ز سرجان بگذشتن
 در پای تو کرده ست و را احسن اولاً
 آن کوی طلب آذری ار طالب یاری
 بی نعمت دیدار مدان جنت اعلا
 غزل ۵۰ (در نسخه ملک آمده است)
 بی مهرولی مُهرولایت نتوان یافت
 بی گنج غنا کنج قناعت نتوان یافت
 تا جان ندهی دم مزین از عشق که این ره
 گنجیست که آن را به حکایت نتوان یافت
 تا مخزن توفیق تو در دست که افتد
 این گنج به بازوی کفایت نتوان یافت
 آهسته ترک باش که از پای درآیی
 این بادیه را هیچ نهایت نتوان یافت
 مثل سخت آذری ار زآنکه بجوید
 جز در صدف بحر هدایت نتوان یافت
 (آذری، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

غزل ۱۰۴ (در نسخه ملک آمده است)
 پنهان ز نظر با تو دلم را نظری هست
 بی آن که رسولی ز تو آید خبری هست
 پنهان ز همه عالم و از عالمیان هم
 ما را ز درون جانب او رهگذری هست

بی واسطه عالم و بی منت آدم
 ما را به حریم حرمش راهبری هست
 جایی که ز پرواز بسوزد پر جبریل
 آن جا ز هدایت سوی او بال و پری هست
 فتح از در دل ها طلب ار طالب یاری
 کز هردلی اندر حرم دوست دری هست
 آن کس که ز دریا طلبد گوهر مقصود
 هان تا نکند فکر که آن جا خطری هست
 (آذری، ۱۳۸۹: ۱۴۶)

غزل ۱۴۰ (در نسخه ملک آمده است)
 سعی آسان بود آن را که هدایت دارد
 سعی شرطست ولی کار عنایت دارد
 ما برون درازو نکته بسی می شنویم
 در پس پرده دگرتا چه حکایت دارد
 تا ز سرپای نسازی مرواندر ره عشق
 کین نه راهیست که امید نهایت دارد
 بی ولایت نبود شمع نبوت را نور
 رونق شهرتعلق به ولایت دارد
 آذری را به حرم چون برسد راه دهید
 که بر شاه بسی شکرو شکایت دارد
 (آذری، ۱۳۸۹: ۱۵۸)

غزل ۲۱۲ (موجود در نسخه دانمارک و ملک)
 از چشم تو مردم همه با ناله و آهند
 گرد عوی خون دارد مژگانش گواهند

عشاق تو خود را ز سگان تو شمارند
بنگر که گدایان تو چون صاحب جاهند
باز آی که در هجرتوای یار گرامی
عمریست که تا منتظران چشم به راهند
(آذری، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

غزل ۲۶۸ (در نسخه ملک آمده است)
ز حد بگذشت سوز ما صبوری تا به کی باشد
وداع عمر شد نزدیک دوری تا به کی باشد
تواز ما غایب و ما از تو غایب بی حضور تو
میان دوستان این بی حضوری تا به کی باشد
طریق وصل نامعلوم و غالب در گرفتاری
به هجران تو این صبر ضروری تا به کی باشد
دلم از عادت خلق و رسوم این جهان بگرفت
عمل های مجازی شغل صوری تا به کی باشد
چو مرغان خاک می شوریم بهردانه ای دایم
برای دانه ای این خاک شوری تا به کی باشد
ز سامان آذری این جنس عالی چند می جویی
چو ابر زلتمست این برق نوری تا به کی باشد
(آذری، ۱۳۸۹: ۲۰۸)

غزل ۲۷۹ (موجود در نسخه دانمارک)
این چه عطریست که از باد صبا می آید
این چنین خوش نفس آخر ز کجا می آید
گر ندارد خبر از یوسف گم گشته ما
مضطرب حال و سراسیمه چرا می آید

ای دل از قافله کعبه روان باز مگرد
 زآن که از هر طرفی، بانگ درآمی آید
 آذری بر سر صاحب نظران در ره عشق
 کس چه داند که در آن راه چه ها می آید
 (آذری، ۱۳۸۹: ۲۱۲)

غزل ۳۳۲ (در نسخه ملک آمده است)
 رفتند خیل خیل رفیقان ز دیده پاک
 همچون سرشک یادکن از رفتگان خاک
 افغان از آن دو نرگس پرچین نیم مست
 فریاد از آن دو نرگس مخمور خوابناک
 محبوب حاضر است ولیکن تو غایبی
 إِنْ لَمْ یُکُنْ بخوان وَ تَرَى أَنَّهُ تَرَاک
 افسوس آذری که بشد دامنش ز دست
 مطرب بگوی تا که گریبان کنیم چاک
 (آذری، ۱۳۸۹: ۲۳۰)

غزل ۴۰۱ (در نسخه ملک آمده است)
 گفتم که از تو من طمع آن و این کنم
 گفتم مکن چنان همه گفتا چنین کنم
 کردند پیش یوسف خود اهل او سجود
 من نیز اهل یوسف خویشم همین کنم
 روزی اگر به پرسشم آید هزار جان
 خواهم نثار مقدم آن نازنین کنم
 بهر خدای پرده ز دیدار برفکن
 تا بر کمال صنع خدا آفرین کنم

آینه ایست روی تو گوباز رو می پوش
تا من در او نظاره جان آفرین کنم
با آذری به کوی تو یابم اگر ره می
حاشا که میل جانب خلد برین کنم
(آذری، ۱۳۸۹: ۲۶۰)

غزل ۴۳۵ (در نسخه ملک آمده است)
چو سرو از ما از آنی سرکشیده
که سرتا پا ز نازی آفریده
تو چون شاخ گلی از باغ جنت
ببه آب زندگانی پروریده
بسی برخاست حسن از آفرینش
نبود این حسن در هیچ آفریده
ز مردم چون تویی پوشیده تا چند
در آدر چشم مای نور دیده
(آذری، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

نتیجه گیری

ادبیات، فارغ از ذوق و سلیقه شاعر، در برگرفته اندیشه ها، باورها و اعتقادات یک جامعه در طول زمان است. به عبارتی با تکیه بر آثار ارزشمند ادبی و تحقیق بر نوشته های پیشینیان می توان به بخشی از نظام فکری و اعتقادی آن دوره تاریخی پی برد. بی شک جهت شناخت اندیشه دینی و مفاهیم اعتقادی علاوه بر منابع دینی و تاریخی هر عصر می توان از طریق بررسی آثار باقی مانده و دیوان های شاعران و نویسندگان نیز کمک گرفت، چه این که زبان شعرگاه تأثیرگذارتر و کم هزینه تر بوده است و بدین سبب نویسندگان مفاهیم خود را به مخاطب انتقال می داده اند. دوره بعد از مغولان با توجه به ساختار سرزمینی و حکومتی در ایران دوره ای خاص بوده است و مذهب تشیع بعد از

طی فشار چندین ساله تسنن و خلافت عباسی، به دلیل نبودن قدرت مرکزی و شرایط نابه سامان پس از مغولان، فرصتی برای بارور شدن پیدا کرد. جنبش‌های متعددی در قرن نهم هجری به وجود آمدند که ماهیت شیعی داشتند و به شکل‌گیری دولت‌هایی نیز انجامید. یکی از این دولت‌ها سربداران بودند که موفق شدند با اتکا به مذهب تشیع اثنی عشری به صورت یک ایدئولوژی، حاکمیت و قدرت خود را در جامعه هدایت کرده و در خلال نیم قرن، سبب گسترش اندیشه تشیع شدند. تشکیل حکومت شیعی سربداران در خراسان این فرصت را به وجود آورد مفاهیم و شعائر شیعیان همچون مهدویت در جامعه نهادینه شود. ترویج فرهنگ انتظار و اندیشه ظهور در دولت سربداران به عنوان دولتی شیعی و ایدئولوژیکی وجود داشت و بدون شک شعرا و نویسندگان نیز در این میان سهم به سزایی داشته‌اند. یکی از راهیان طریق ادب و زبان فارسی، شیخ آذری طوسی اسفراینی (درگذشته ۸۶۶ هـ) است که در قرن نهم هجری، پدرش از بزرگان دولت سربداران بوده و به کار نویسندگی و سنخوری پرداخته، آثار چندی از خود باقی گذاشته است. اما بدان جهت که زمان زندگی این سخنور و ادیب شیعی در یک برزخ سیاسی قرار داشته، آثار فرهنگی او مورد عنایت قرار نگرفته و مجهول‌القدر و ناشناخته و دور از انظار باقی مانده است. شیخ آذری هم چنین با دولت بهمنیان هند نیز تعاملات و ارتباطاتی داشته است و به تأکید منابع در ترویج تشیع در هند تاثیر بسیار زیادی از خود به جای نهاد. با مراجعه به دیوان و آثار شیخ آذری تلاش‌های وی در نهادینه کردن مفاهیم شیعی و اندیشه مهدویت کاملاً مشخص است. یکی از ویژگی‌های اصلی قصاید شیخ آذری، جایگاه مدح و منقبت ائمه اطهار علیهم‌السلام و ارادت خاص و ویژه به امام زمان علیه‌السلام در آنهاست. تمامی ۳۲ قصیده دیوان شیخ یا در منقبت ائمه اطهار و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و سلم سروده شده و یا ابیاتی از آنها در مدح بزرگان دین اسلام است. در میان شاعران این دوره شاید شیخ آذری تنها شاعری باشد که تمامی قصاید او در مدح و منقبت ائمه علیهم‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم است. قصاید و ابیاتی در دیوان شیخ آذری وجود دارد که به طور خاص به امام زمان علیه‌السلام تقدیم کرده و از ایشان نام می‌برد.

منابع

- آذری، حمزه بن علی، *جواهر الاسرار*، تصحیح: احمد شاهد، مشهد: نشر سنبله، ۱۳۸۷.
- _____، *منتخب جواهر الاسرار (به همراه اشعه لمعات)*، تهران: چاپ سنگی، ۱۳۰۳.
- آذری، دیوان آذری اسفراینی، تحقیق و تصحیح: دکتر محسن کیانی و سید عباس رستاخیز، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- آژند، یعقوب (مترجم)، *تاریخ ایران (دوره تیموریان)*، پژوهش از دانشگاه کمبریج، تهران: انتشارات جامی، دوم، ۱۳۸۲.
- _____، *قیام شیعی سرمداران*، تهران: انتشارات نشر گستر، ۱۳۶۳.
- بافقی، محمد مفید مستوفی، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: بی نا، ۱۳۴۰ ق.
- دولتشاه سمرقندی، *کتاب تذکرة الشعراء*، لیدن: چاپ ادوارد براون، ۱۹۰۰ م / ۱۳۱۸ ش.
- صفاء، ذبیح الله، *حماسه سراسی در ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، پنجم، ۱۳۶۹.
- فرشته، محمد قاسم هندوشاه، *گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته*، کانپور: بی نا، ۱۳۰۱ ق.
- فروزانفر، بدیع الزمان، *تاریخ ادبیات ایران در عصر تیموریان*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- منزوی، احمد، *فهرست نسخه های خطی فارسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی منطقه ای، ۱۳۵۰.
- نفیسی، سعید، *تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری*، تهران: انتشارات کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴.
- وفادار مرادی، محمد، *مقدمه ای بر اصول وقواعد فهرست نگاری در کتب خطی*، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹.
- یار شاطر، احسان، *شعر فارسی در عهد شاهرخ*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۸۳.
- یوسف نژاد، یوسفعلی، *تصحیح دیوان شیخ آذری*، رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، با راهنمایی: دکتر سیدعلی محمد سجادی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۹۰.
- *نسخه خطی دیوان آذری*، دانمارک، کپنهاک سلطنتی، با شماره ۲۱۲۷۰.
- _____، *نسخه پاریس*، با شماره ۳۹۴ P، که میکروفیلم آن در مرکز اسناد دانشگاه تهران با شماره ۱۳۱۳ موجود است.

- _____، بادلیان، ۳۲۹ الیوت، فیلم آن در دانشگاه تهران با شماره ۸۷۸ موجود است.
- _____، موزه بریتانیا، با شماره Add ۲۵۸۲۱، فیلم آن در دانشگاه با شماره، ۲۸۹ موجود است.
- _____، کتابخانه ملی ملک، با شماره ۵۹۳۸ موجود است.
- _____، هند، با شماره psc ۶۰۶ در انجمن آسیایی کلکته موجود است.

